

## بررسی مصداق و شأن نزول آیهٔ نفس مطمئنه در تفاسیر روایی شیعی و سنی

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: مهر ۱۳۹۹

فرزین حبیبزاده<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

فرزین حبیبزاده

### چکیده

از آنجایی که یکی از کهن‌ترین گونه‌های تفسیر قرآن تفسیر روایی یا مأثور است و این گونه از تفسیر مبتنی بر احادیث منقول از پیامبر (ص) و روایات امامان معصوم (ع) است، استناد به این نوع از تفاسیر و استمداد از آن‌ها برای شرح و توضیح آیات شریف قرآن از اهمیت و مقبولیت بیشتری نزد عالمان و مفسران قرآنی برخوردار بوده است. مفسران شیعی و اهل سنت در بیان مصداق و شأن نزول بسیاری از آیات قرآنی که در نتیجه در تفسیر ایشان دخیل است، اختلاف نموده و اغلب سخنانی متعارض و متناقض با یکدیگر بیان نموده‌اند. تعصبات ناشی از گرایش‌های مذهبی که به این اختلافات دامن می‌زند، مهم‌ترین مانع برای دستیابی به تفسیر صحیح و مراد اصلی خداوند شده است. در این صورت برای وصول و راهیابی به مصداق و شأن نزول آیاتی که مورد اختلاف فریقین است، راهی جز رجوع به سخنان پیامبر اکرم (ص) و معصومان (ع) که از مصداق آیه و شأن نزول آیه حکایت دارد، وجود ندارد. یکی از آیاتی که در تفسیر آن، روایات صحیح معصوم (ع) نقشی اساسی و پررنگ دارد، آیات نفس مطمئنه در فراز پایانی سورهٔ مبارک فجر است. روایات بسیاری در شأن نزول این آیات و بیان مصداق آن صادر شده است که از مهم‌ترین آنها این است که حضرت سیدالشهداء، حسین بن علی (ع) مصداق اتم و اکمل آیات پایانی سورهٔ فجر است. لازم به توضیح است روایاتی که در ذیل آیات مذکور نقل شده‌اند، یا در صدد بیان مصداق آیه هستند یا شأن نزول آن را بیان می‌کنند. نوشتار پیش‌رو که متضمن روایات شیعه و عامه دربارهٔ مصداق و شأن نزول آیات پایانی سورهٔ فجر است، به توضیح و بررسی این روایات می‌پردازد و با دلایلی که خواهد آمد روشن خواهد شد روایاتی که در منابع اهل سنت، بین آیات نفس مطمئنه و خلیفهٔ اول یا سوم ارتباط ایجاد نموده، به دلایلی از جمله ضعف سندی یا تعداد کم این روایات قابل اطمینان نیستند. در مقابل، روایاتی که این سوره را مخصوص امام حسین (ع) دانسته‌اند و آن حضرت را مصداق آن آیات به شمار آورده‌اند، آن قدر شایع و مشهور هستند که بی‌نیاز از دفاع باشند.

**کلمات کلیدی:** تفسیر روایی، مصداق، شأن نزول، امام حسین (ع)، آیات نفس مطمئنه.

## ۱- مقدمه

حجیت و اعتبار بیانات پیامبر (ص) و امامان جانشین پیامبر در شرح و تفسیر و توضیح آیات قرآنی، اصلی پذیرفته شده نزد عالمان امامیه و عامه است. جز اینکه اهل سنت، سخنان و اقوال صحابه را در ردیف احادیث پیامبر (ص) قرار می‌دهند. روایات تفسیری صحابه را معتبر می‌دانند و از آن‌ها برای شناخت و فهم قرآن به عنوان منبعی اصیل بهره‌گیری می‌برند. تفسیر روایی - در صورت اطمینان و اثبات صحت آن از آن جهت که از اجتهاد غیرمعصوم (عالمان اسلامی، صحابه، تابعین و...) تهی است و صرفاً از منبعی وحیانی سرچشمه می‌گیرد، در شمار مهم‌ترین، استوارترین و مستندترین تفاسیری است که از صدر اسلام برای فهم و تبیین صحیح آیات قرآنی به کار می‌رفته است. در قرآن کریم نیز خداوند متعال، پیامبر اکرم (ص) را به مهم‌ترین وظیفه وی که همان تبیین و تفسیر قرآن کریم است این‌چنین فراخوانده است: «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزَّبْرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل / ۴۴).

آیات پایانی سوره مبارک فجر: «يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ أَرْجَعِي إِلَيَّ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» که به «آیات نفس مطمئنه» شهرت دارد، یکی از آن دسته آیاتی است که در باب مصداق و شأن نزول آن، در میان عالمان شیعه و اهل سنت اتحاد ایجاد نشده است. از آنجا که روایات نقشی اساسی و اصیل برای مشخص نمودن مصداق آیه و فهم و تفسیر دقیق آن به شمار می‌رود و تمام راه‌های وصول به تفسیر صحیح آیه، از جمله بررسی‌های تاریخی، سندی و... همه بر حول روایات می‌چرخد، لازم است با مراجعه به منابع روایی معتبر و موثق و ارزیابی سندی و محتوایی آن روایات، به دقیق‌ترین و معتبرترین نظر در این زمینه دست یافت.

در این میان برخی از روایات، نزول این آیه را درباره‌ی علی (ع) دانسته‌اند. در منابع تفسیری اهل سنت نیز - که تعداد آنها بسیار کم است - به نحوی دو خلیفه اول و سوم را با این آیه پیوند داده‌اند که برخی از این روایات از شأن نزول آیه درباره‌ی این دو شخص حکایت دارند. به هر حال، هر یک از مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه مزبور به روایاتی از پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) و صحابه ایشان استناد جسته‌اند که صحت هر یک از روایات منوط به بررسی‌های سندی و متنی روایات موردنظر است. ما در این نوشتار در صدد معرفی این روایات و مختصر توضیحاتی پیرامون مطالب آیه نفس مطمئنه و تطبیق این موضوعات با روایات برآمده‌ایم و مشخص نموده‌ایم روایاتی که به نحوی، عثمان یا ابوبکر را با آیه شریفه نفس مطمئنه گره زده‌اند، طبق بررسی‌های سندی و محتوایی، ضعیف به شمار می‌روند و در مقابل، مصداق تمام عیار شخصیت ملکوتی سوره فجر به ویژه آیات پایانی آن، حضرت سیدالشهداء، حسین بن علی (ع) است، و اگر هم بخواهیم از این انحصار در مصداق تنزل کنیم، می‌گوییم: این خطاب صرفاً مقام عصمت را شامل می‌شود که برجسته‌ترین مصداق آن، با توجه به خصوصیات سوره از قبیل ارتباط آیات پایانی با آیات آغازین آن، امام حسین (ع) خواهد بود.

## ۲- معناسازی نفس و اطمینان

کلمه «نفس» در لغت به معنی جان، روح و روان است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: ۲۷۰/۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۳/۶). راغب نیز نفس را به معنی روح می‌داند و آیات شریف: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (زمر/ ۴۲) و «وَ الْمَلَائِكَةُ يَأْسُطُوا أَيْدِيَهُمْ أَلْحِقُوا أَنْفُسَكُمْ» (الأنعام/ ۹۳) را به عنوان شاهد آورده است (راغب، ۱۴۱۲: ۸۱۸). طبرسی ذیل آیه شریف: «وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ» (بقره/ ۹) می‌نویسد: نفس سه معنی دارد: یکی به معنی روح، دیگری به معنی تأکید، مثل «جائتی زید نفسه»، سوم به معنی ذات و اصل همان است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۳۳/۱).

جوهری در صحاح می‌گوید: نفس به معنی روح است؛ «خرجت نفسه» یعنی روحش خارج شد. همچنین نفس به معنی خون است؛ «ما لیس له نفس سائلة لا ینجس الماء اذا مات فیه» یعنی آنکه خون جهنده ندارد اگر در آبی بمیرد آب نجس نمی‌شود، تا می‌گوید نفس به معنی عین و ذات شیء است. ظاهراً خون را از آن رو نفس گفته‌اند که روح با آن از بدنش خارج می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱: ۹۳/۷).

واژه «الْمُطْمَئِنَّةُ» نیز به معنای آسوده‌خاطر، آرمیده و دارای آرامش است. صاحب العین در معنای این ریشه می‌نویسد: «طمین: اطمأن الرجل، و اطمأن قلبه، و اطمأنت نفسه إذا سکن و استأنس» (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: ۴۴۲/۷) راغب در المفردات ذیل ریشه «طمین» چنین می‌نویسد: اطمینان و طمأنیه یعنی سکون و آرامش بعد از پریشانی و ناآرامی: «الطَّمَانِيَةُ وَ الْاِطْمِئِنَانُ: السُّكُونُ بَعْدَ الْاِنْزِعَاجِ. قَالَ تَعَالَى: وَ لِيَطْمَئِنَّ بِهٖ قُلُوبُكُمْ» (الأنفال/ ۱۰)، وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي (البقره/ ۲۶۰)، یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (الفجر/ ۲۷). در ادامه می‌گوید: آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرعد/ ۲۸)، اشاره به این معنا دارد که شناخت و

معرفت خدا و مداومت در عبادت او، موجب اطمینان و آرامش قلب است: «تنبیهاً آن بمعرفته تعالی و الإكثار من عبادته یکتسب اطمینان النفس المسئول بقوله: وَ لَكِنْ لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي (البقرة/۲۶۰)» (راغب، ۱۴۱۲: ۵۲۴).

در لسان‌العرب هم معنای آرامش و سکون برای این کلمه ذکر شده و در این باره آمده است: «طمن: طأمن الشيء: سَكَنَهُ. وَ الطَّمَأَيْنَةُ: السُّكُونُ. وَ اطْمَأَنَّ الرجل اطمئناناً وَ طَمَأَيْنَهُ أَى سَكَنَ...» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۶۸/۱۳).

تعبیر به «مطمئن» اشاره به آرامشی است که در پرتو ایمان به پروردگار و یاد و ذکر او به دست می‌آید، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲): همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامی می‌گیرد، آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

## ۲-۱- مراتب نفس

انسان یک روح و یک نفس دارد و همین یک نفس دارای مراتب و درجات متفاوتی است. مفسران در تقسیمات و درجاتی که از نفس ارائه داده‌اند، تفاوت دیدگاه دارند. از جمله صاحب بیان السعادة نفس انسان را بر حسب جایگاه شیطان از نفس، تا جایگاه آن در دار رحمان و واسطه قرارگرفتن انسان از آن دو، در سه مرتبه نفس اماره، لوامه و مطمئنه می‌داند و در توضیح هر یک از آن‌ها چنین آورده است: «...تسمى الاولى بالامارة و هي التي تأمر بالسوء ای بما تهووا سواء كان في صورة الخیر أو الشر، و لا ترتدع و لا تندم عليه، و الثانية باللوامه و هي التي تلوم نفسها في كل ما تأتي خيراً كان أو شراً و تحزن على ما فعل من حيث شريته، أو من حيث نقصانه عن درجة الكمال، أو من حيث نسبتها الى نفسها، و الثالثة بالمطمئنة لاطمئنانها الى ربها و خروجها عن انانياتها التي هي سبب اضطرابها» (گنابادی، ۱۳۷۲: ۲۵۴/۴). مرتبه اول نفس اماره است و آن چنان است که امر به بدی می‌کند، یعنی، به آنچه که نفس آن را می‌خواهد خواه در صورت خیر باشد یا در صورت شر، نه از کار بد باز می‌گردد و نه پشیمان می‌شود. مرتبه دوم نفس لوامه است و آن چنان است که نفس را ملامت و سرزنش می‌کند در هر کاری که انجام می‌دهد خوب باشد یا بد و از جهت بد بودن فعل، یا از آن جهت که از درجه کمال ناقص است، یا از آن جهت که نسبت کار را به خودش می‌دهد، اندوهناک می‌گردد و مرتبه سوم مطمئنه است از آن جهت که به پروردگارش مطمئن و آرام است و از انانیت خویش که سبب اضطراب است، خارج گشته است.

صاحب تفسیر اثنا عشری نیز علاوه بر سه نفس اماره، لوامه و مطمئنه، از نفسی دیگر به نام «نفس مسومه» یاد می‌کند که به اعتقاد مفسر، این نفس به اعتبار آنکه مایل شود به ربط عالم معنوی و عازم شود به سیر در آن، لکن مقتضیات طبعی او را به تأخیر اندازد، آن را «مسومه» نامند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱۴ و ۲۰۸).

آیت‌الله جوادی آملی در مقاله‌ای با عنوان نفس مسوله و راه‌های رهایی از آن، نفس مسوله را معرفی کرده و بیان داشته‌اند که نفس مسوله غیر از نفس اماره است، نفس اماره را انسان می‌شناسد، اما نفس مسوله را نمی‌شناسد. نفس مسوله انسان را به زشتی امر نمی‌کند، بلکه اغوا می‌کند و زشتی‌ها را خوب جلوه می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۷: شماره ۲۰۳).

در تفسیر نمونه آمده است که علمای اخلاق برای نفس (احساسات و غرائز و عواطف آدمی) سه مرحله قائلند که در قرآن مجید به آن‌ها اشاره شده است. نخست «نفس اماره»، نفس سرکش است که انسان را به گناه فرمان می‌دهد و به هر سو می‌کشد و لذا اماره‌اش گفته‌اند. در این مرحله هنوز عقل و ایمان آن قدرت را نیافته که نفس سرکش را مهار زند و آن را رام کند بلکه در بسیاری از موارد در برابر او تسلیم می‌گردد و یا اگر بخواهد گلاویز شود نفس سرکش او را بر زمین می‌کوبد و شکست می‌دهد. این مرحله همان است که در آیه: «وَ مَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف/۵۳) در گفتار همسر عزیز مصر به آن اشاره شده است و همه بدبختی‌های انسان از آن است.

مرحله دوم «نفس لوامه» است که پس از تعلیم و تربیت و مجاهدت، انسان به آن ارتقاء می‌یابد، در این مرحله ممکن است بر اثر طغیان غرائز گهگاه مرتکب خلاف‌هایی بشود اما فوراً پشیمان می‌گردد و به ملامت و سرزنش خویش می‌پردازد، و تصمیم بر جبران گناه می‌گیرد، و دل و جان را با آب توبه می‌شوید، و به تعبیر دیگر در مبارزه عقل و نفس گاهی عقل پیروز می‌شود و گاهی نفس، ولی به هر حال کفه سنگین از آن عقل و ایمان است. این مرحله همان است که قرآن مجید در سوره قیامت به آن سوگند یاد کرده است، سوگندی که نشانه عظمت آن است: «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت/۱ و ۲).

مرحله سوم «نفس مطمئنه» است و آن مرحله‌ای است که پس از تصفیه و تهذیب و تربیت کامل، انسان به مرحله‌ای می‌رسد که غرائز سرکش در برابر او رام می‌شوند و سیر می‌اندازند، و توانایی پیکار با عقل و ایمان در خود نمی‌بینند چرا که عقل و ایمان آن قدر نیرومند شده‌اند که غرائز نفسانی در برابر آن توانایی چندانی ندارد. این همان مرحله آرامش و سکینه است، آرامش که بر اقیانوس‌های بزرگ حکومت می‌کند، اقیانوس‌هایی که حتی در برابر سخت‌ترین طوفان‌ها چین و شکن بر صورت خودنمایان نمی‌سازند. این مقام انبیاء و اولیا و پیروان راستین آنها است، آن‌هایی که در مکتب مردان خدا درس ایمان و تقوا آموختند و سال‌ها به تهذیب نفس پرداخته و جهاد اکبر را به مرحله نهایی رسانده‌اند. این همان است که قرآن در سوره فجر به

آن اشاره می‌کند آنجا که می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي» (مکرم، ۱۳۷۱ ش: ۴۳-۴۳۶/۹).

طبق آن چه گفته آمد در قرآن کریم به چهارگونه از نفس انسانی اشاره شده است: نفس اماره، نفس لوامه، نفس ملهمه و نفس مطمئنه. در ادامه مختصراً به هر یک از این نفوس و آیات قرآنی آن اشاره می‌شود.

### ۲-۱-۱- نفس اماره

«آماره» صیغه مبالغه به معنای نفس فرمان‌دهنده و به شدت فرمان‌دهنده و در کمال استبداد فرمان‌دهنده است. برخی برآنند که نفس اماره همان نفس حیوانی است که دارای سه قوه شهوت و غضب و واهمه می‌باشد. «نفس انسانی به اعتبار آنکه ذاتا مایل به شهوات و رغب به صفات شیطانی است، «آماره» نامند» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱۴). از این نفس که انسان را به سوی کارهای زشت هدایت می‌کند در آیه ۵۳ از سوره یوسف اشاره شده است: «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ».

امام علی (ع) رفتارهای برخاسته از نفس اماره را به اسبانی چموش تشبیه نموده که افسارگسیخته سوار خود را هر جا که بخواهد می‌برد تا آنکه او را به آتش دوزخ افکند و انسان‌هایی که نفس اماره خویش را کنترل و تعدیل و مهار نموده‌اند مانند کسانی هستند که سوار بر مرکب راهوار و رام شده و سوارش مهار را به دست گرفته و سرانجام او را وارد بهشت می‌نماید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶).

حضرت (ع) در جایی دیگر در باب دشمنی این نفس می‌فرماید: «النفسُ الأمارَةُ المُسَوَّلَةُ تَمَلِّقُ تَمَلِّقُ المُنَافِقِ وَ تَتَصَنَّعُ بِشِيمَةِ الصَّادِقِ المَوْافِقِ حَتَّى إِذَا خَدَعَتْ وَ تَمَكَّنَتْ تَسَلْطُ تَسَلْطُ العَدُوِّ وَ تَحْكَمُ تَحْكَمُ العَتُوَّ فَأُورِدَتْ مَوَارِدَ السُّوءِ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۲۰). در روایت «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ وَ الفَحْشَاءِ فَمَنْ ائْتَمَّنَهَا خَانَتْهُ وَ مَنْ اسْتَنَامَ إِلَيْهَا أَهْلَكَتَهُ وَ مَنْ رَضِيَ عَنْهَا أوردَتْهُ شَرَّ المَوَارِدِ» (همان: ۲۲۷) نیز که حضرت در نکوهش پیروی از خواهش نفس فرموده‌اند به سختی از این نفس برحذر می‌دارد. امام سجاد (ع) نیز در یکی از مناجات‌های خود، این چنین از ویژگی‌ها و اوصاف زشت نفس اماره سخن می‌گوید و فریاد شکوه سر می‌دهد: «الهي، إلیک أشکو نفسا بالسوء أمارة، و إلی الخطيئة مبادرة، بمعاصيک مولعة، ... کثیرة العلیل، طویلة الأمل، إن مسها الشر تجزع و إن مسها الخير تمنع، میآلة إلی اللعب و الهو، مملوءة بالعقله و السهو، تسرع بی إلی الخویة، و تسوفنی بالتوبة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۹۱).

### ۲-۱-۲- نفس لوامه

این نفس انسان را به خاطر اعمال زشتی که مرتکب می‌شود سرزنش می‌کند و بر اثر تکرار کردارهای زشت و گناهان، کارکرد خود را از دست می‌دهد. از این نفس که به وجدان نیز تعبیر شده است در آیه دوم از سوره قیامت اشاره شده است: «لَأَقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِيَامَةِ \* وَ لَأَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ» نفس انسانی به اعتبار آنکه اصلش از عالم ملکوت است، بسا شود بعد از تمایل به شهوات خود را ملامت و سرزنش نماید، آنرا، «لوامه»، نامند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱۴). نکته شایان توجه آنکه در آیات نخست سوره مبارک قیامت، سوگند به نفس لوامه در کنار سوگند به قیامت بیان شده است و این خود بیانگر ارزشمندی و شرافت و جایگاه والای نفس لوامه است که خداوند به آن سوگند یاد کرده است.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی، با استفاده از نفس لوامه در آیه شریف، به ابن مسعود این چنین سفارش می‌کند: «یا بن مسعود، أَكثِرْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ البِرِّ؛ وَ إِنَّ المُحْسِنَ وَ المُسِيءَ يَنْدَمَانِ، يَقُولُ المُحْسِنُ: يَا لَيْتَنِي أَزِدْتُ مِنَ الحَسَنَاتِ وَ يَقُولُ المُسِيءُ: قَصَّرْتُ، وَ تصدِّقُ ذَلِكُ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۴/۷۴).

### ۲-۱-۳- نفس ملهمه

این نفس نیز موجب نوعی پیوند میان انسان و عالم غیب است و از عالم غیب به آن الهام می‌شود. در آیات هفتم و هشتم سوره مبارک شمس از این نفس یاد شده است: «وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»

### ۲-۱-۴- نفس مطمئنه

نفس مطمئنه متصل به خدا و به واسطه این پیوند، دارای اطمینان است. کسی که این نفس در او بیدار می‌شود، راه و روش خود را می‌یابد و به دنبال یقین حرکت می‌کند. در آیه ۲۷ سوره مبارک فجر، به این نفس اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»

### ۲-۲- نفس مطمئنه در کلام معصومان (ع) و مفسران قرآن

ظاهراً منظور از «نفس مطمئنه» در آیه ۲۷ سوره مبارک فجر، روح انسان است. در این زمینه روایت امام صادق (ع) در کتاب کافی که از ایشان سؤال شد که آیا مومن از قبض روح کراهت دارد، شاهد این مطلب است. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ

زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيرِ الصَّبْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يُكْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلَى قَبْضِ زَوْجِهِ قَالَ لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ إِذَا أَتَاهُ مَلِكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ جَزَعٌ عِنْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ مَلِكُ الْمَوْتِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَا تَجْزَعُ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) لَأَنَا أَبْرُّ بِكَ وَ أَشْفَقُ عَلَيْكَ مِنْ وَالِدِ رَحِيمٍ لَوْ حَضَرَكَ أَفْتَحُ عَيْنَكَ فَأَنْظُرُ قَالَ وَ يُمَثِّلُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)» (كلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۷/۳ و ر.ک. کوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۳/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۷/۵).

همان‌گونه که از ظاهر آیه پیداست، تعبیر «یا آیتها النفس المطمئنه» خطاب به انسان مؤمن است که در ادامه آیه، راضی بودن و مرضی بودن، نشانه این نفس است که او از خدا خوشنود و خدا نیز از او خرسند است. اما هنگامی که مرگ کافر فرارسد خداوند دو فرشته می‌فرستد و به وی می‌گویند: «یا آیتها النفس الخبيثة ارجعي الي الجحيم و العذاب الاليم» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۴۷/۱۰).

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود از قول ابن زید و عطیه در باب نفس مطمئنه و اطمینان نفس می‌نویسد: «ابن زید گفت: نفس مطمئنه آن است که به هیچ طاعت خلل نکرده باشد و هیچ معصیت را ارتکاب نکرده باشد، او را در مرگ بشارت دهند به بهشت. نفس او ساکن شود به آن و گفتند: نفس مطمئنه، نفسی باشد مؤمن متیقن به خدای تعالی. نفس او به علم ساکن باشد از خطرات شبهات». عطیه گفت: نفسی باشد راضی به قضای خدای تعالی که آنچه قضاء محتوم باشد به او برسد. ابن کیسان گفت: نفسی باشد مخلص، و گفتند: مطمئن باشد و ساکن به نام خدای، بیانه قوله: أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد/ ۲۸) و گفتند: متوکل بر خدای واثق به ضمان او روزی را» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۵/۲۰).

صاحب تفسیر إثناعشری نیز نفس مطمئنه را با تعبیری زیبا و دلنشین، چنین توصیف می‌کند: «نفس انسانی] به اعتبار آنکه به تربیت مرتبی شریعت، یعنی دستور وجود مقدس محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در مرحله صفای نفس برآید، آرام یافته به ذکر الهی و فارغ از غیر سبحانی، شاکر در نعم و صابر در محن، چنان ایقان نموده که ابدا خلجان شک و ریب در قلب او وارد نگردد و مقام اطمینان را دارا شود، آن را نفس «مطمئنه» نامند. این مقام و رتبه است که صاحبش مصداق کریمه «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» و به مزایای مکرمت فایز گردد» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱۴ و ۲۰۸).

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان این چنین به معرفی نفس مطمئنه پرداخته‌اند: «نفس مطمئنه، نفسی است که با علاقمندی و یاد پروردگارش سکونت یافته، بدانچه او راضی است رضایت می‌دهد و در نتیجه خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ خیر و شری و نفع و ضرری برای خود نیست و نیز دنیا را یک زندگی مجازی و داشتن و نداشتن و نفع و ضرر آن را امتحانی الهی می‌داند و در نتیجه اگر غرق در نعمت دنیایی شود، به طغیان و گسترش دادن به فساد و به علو و استکبار، وادار نمی‌شود، و اگر دچار فقر و فقدان گردد این تهیدستی و ناملایمات او را به کفر و ترک شکر وانمی‌دارد، بلکه هم چنان در عبودیت پای‌برجا است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود، نه به افراط و نه به تفریط» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۷/۲۰).

### ۳- نفس مطمئنه در تفاسیر روایی اهل سنت و شیعه

همان‌گونه که در چندجا اشاره شد روایاتی که ذیل آیه نفس مطمئنه آمده است در دو دسته جای می‌گیرند: برخی درصدد بیان مصداق آیه و برخی از شأن نزول آن حکایت دارند. در این میان روایاتی که در منابع اهل سنت در باره مصداق و شأن نزول آیه نفس مطمئنه ذکر شده است به چند دلیل می‌تواند مردود و غیرقابل اعتماد تلقی شود؛ یکی اینکه این روایات علاوه بر اینکه ضعف سندی و محتوایی دارند، با روایات صحیحی که این آیه را در شأن امام معصوم، به ویژه امام حسین (ع) معرفی می‌کنند در تعارض است؛ دوم اینکه سند اغلب این روایات بدون اینکه به پیامبر نسبت داده شوند به صحابه ختم شده‌اند؛ دیگر اینکه روایاتی که امام حسین (ع) را مصداق آیه مزبور ذکر نموده‌اند آن قدر مشهور و مسلم است که نیاز نباشد به بررسی روایات دیگر پرداخت. در ادامه روایاتی که در پی بیان مصداق آیه و شأن نزول آن در منابع و مدارک اهل سنت و امامیه است به بررسی می‌نشینیم.

#### ۳-۱- منابع روایی اهل سنت

در منابع اهل سنت، روایات در مصداق یا شأن نزول آیه «یا آیتها النفس المطمئنه» گوناگون است. برخی از این روایات آیه را در شأن ابوبکر و برخی در حق عثمان دانسته‌اند. در معدود روایاتی هم که در تفاسیر ایشان آمده است، این آیه را در حق پیامبر اکرم (ص)، حمزه، حبیب بن عدی و ابن عباس معرفی نموده‌اند. در این میان، حسکانی، مفسر سنی مذهب قرن پنجم، روایتی را در تفسیر خود، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، از فرات کوفی نقل کرده که طبق آن، این آیه در حق حضرت علی (ع) نازل شده است: «فرات بن ابراهیم الکوفی قال: حدثني علي بن محمد الزهري قال: حدثني ابراهيم بن سليمان، عن الحسن



بن محبوب، عن عبد الرحمن بن سالم عن أبي عبد الله جعفر بن محمد في قوله تعالى: يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِلَىٰ آخِرِ السُّورَةِ، قال: نزلت في علي» (حسكاني، ۱۴۱۱: ۴۲۹/۲).

روایاتی که این آیه را در شأن ابوبکر آورده‌اند، در تفاسیر مشهوری از جمله تفسیر طبری، تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم و الدر المنثور فی تفسیر المأثور ذکر شده‌اند که بیشتر به نقل از سعید بن جبیر از ابن عباس است:

**الف)** «حدثنا علي بن الحسين: حدثنا أحمد بن عبد الرحمن بن عبد الله الدشتكي، حدثنا أبي عن أبيه عن أشعث، عن جعفر عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس في قوله: يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً قال: نزلت و أبو بكر جالس، فقال: يا رسول الله ما أحسن هذا فيقال: أما إنه سيقال لك هذا» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰).

**ب)** «حدثنا أبو سعيد الأشج، حدثنا ابن يمان عن أشعث عن سعيد بن جبیر قال: قرأت عند النبي صلى الله عليه وسلم يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فقال أبو بكر رضى الله عنه: إن هذا حسن، فقال له النبي صلى الله عليه وسلم: «أما إن الملك سيقول لك هذا عند الموت.» (همانجا) طبری در تفسیر خود، جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲: ۵۸۱/۱۲) و سیوطی در الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶) نیز این روایات را تکرار کرده‌اند.

اما روایاتی که نزول این آیه را درباره عثمان معرفی می‌کنند، از نظر تعداد نسبت به روایات ابوبکر کمتر است. این روایات از ضحاک از ابن عباس و ابن مردویه از عباس نقل شده است:

**الف)** «عن الضحاک عن ابن عباس رضى الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «من يشتري بئر رومة نستعذب بها غير الله له، فاشترها عثمان، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: هل لك أن تجعلها سقاية للناس؟ قال: نعم فأنزل الله في عثمان يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ الْآيَةَ» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰). از طریق جویبر از ضحاک، او از ابن عباس روایت شده که پیامبر (ص) فرمود: کیست که چاه رومه را بخرد که مردم از آن استفاده کنند. عثمان آن را خرید سپس پیامبر به او فرمود: آیا می‌توانی در آنجا عنوان سقائی برای مردم پیدا کنی؟ عثمان گفت: بلی یا رسول‌الله، سپس این آیات درباره او نازل گشت و پیامبر برای او دعا کرد.

**ب)** «أخرج ابن مردويه عن ابن عباس رضى الله عنهما في قوله يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ قال نزلت في عثمان بن عفان رضى الله عنه» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

علاوه بر روایات فوق که آیه را در شأن خلیفه اول و سوم دانسته‌اند، دو روایت دیگر، ذیل آیه مذکور در تفسیر ابن ابی حاتم و الدر المنثور سیوطی وارد شده است که مراد از نفس مطمئنه، پیامبر اکرم (ص)، حمزه یا حبیب بن عدی است:

**الف)** «أخرج ابن مردويه عن ابن عباس رضى الله عنهما يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ قال هو النبي صلى الله عليه وسلم» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰ و سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

**ب)** «عن بریده رضى الله عنه في قوله: يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ قال: یعنی نفس حمزة» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰ و سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

ابن جوزی در تفسیر زادالمسیر نیز پنج قول را درباره نزول آیه مزبور ذکر کرده که در قول نخست آن به روایت از ابوهیریه و بریده الأسلمی آمده که آیه مزبور درباره حمزه نازل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۴۴/۴). ابن کثیر هم نزول این آیه درباره حمزه را به روایت از بریده بن الحصب ذکر کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۰/۸).

در روایتی دیگر که صاحبان تفاسیر معروف اهل سنت و همچنین برخی منابع شیعی از جمله تفسیر منهج الصادقین از آن یاد می‌کنند، سخن از فوت ابن عباس و وارد شدن پرنده‌ای در جسد اوست که بر سر قبر وی هاتفی این آیه را تلاوت می‌کرد. در این مورد ابوالفتوح رازی در تأویل آیه «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» می‌نویسد: «اسماعیل بن ابی صالح گفت: این آن ساعت باشد که جان می‌سپارد و چون به قیامت آید گویند: فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی. سعید جبیر گفت: عبد الله عباس به طایف فرمان یافت. مرغی بیامد که بر شکل او کس مرغ ندیده بود و در نعرش او شد و بیرون نیامد. چون او را دفن کردند، بر سر گور او هاتفی آواز داد و این آیت بخواند. آوازش شنیدند و او را ندیدند» (رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۷/۲۰).

اصل روایت به این صورت در منابع روایی و تفسیری ذکر شده است: «حدثنا الحسن بن عرفة، حدثنا مروان بن شجاع الجزری عن سالم الأفطس، عن سعيد بن جبیر قال: مات ابن عباس بالطائف، فجاء طير لم ير على خلقه، فدخل نعشه ثم لم ير خارجا منه، فلما دفن تليت هذه الآية عن شفیر القبر ما يدرى من تلاها يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۱/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۱/۶ و کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۴۷/۱۰).

## ۳-۲- منابع روایی شیعه

سوره فجر را سوره حسین بن علی (ع) نامیده‌اند و همانگونه که مکرر بیان شد مصداق روشن نفس مطمئنه، حسین بن علی (ع) است که در سخت‌ترین حالات و لحظات و شکننده‌ترین واقعه کربلا، در نهایت اطمینان و آرامش نفس بود و به آنچه پروردگارش راضی است رضایت می‌دهد. سخن امام صادق (ع) نیز که می‌فرماید: «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید که سوره حسین (ع) است. هرکس این سوره را بخواند و در آن برای انجام کارهای شایسته بیندیشد در روز رستاخیز با آن حضرت و در درجه او وارد بهشت خواهد شد» در تأیید مطلب فوق، شایسته توجه است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۳۰/۱۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۷۵/۱۴؛ قمی، ۱۴۱۴: ۲۹/۷ و ۲۷۲). در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نیز، حضرت مراد از «نفس المطمئنه» را که از خداوند راضی و خشنود است و خداوند نیز از او خرسند است، حسین بن علی (ع) دانسته است (قمی، ۱۳۶۳: ۴۲۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۵۸/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۹/۴۴).

به طور کلی، روایاتی که درباره مصداق یا شأن نزول آیه نفس مطمئنه در منابع شیعه وارد شده در پنج دسته جای می‌گیرد: دسته نخست، روایاتی که امام حسین (ع) را مصداق آیه نفس مطمئنه و فراتر از آن، مصداق سوره فجر دانسته‌اند. دسته دوم، روایاتی که نزول این آیه را در حق حضرت علی (ع) می‌دانند. دسته سوم، روایاتی که نزول این آیه را درباره حمزه بن عبدالمطلب معرفی کرده‌اند. دسته چهارم، روایاتی که نام حبیب بن عدی را در ذیل این آیه یادآور شده و در شأن نزول وی دانسته‌اند. دسته پنجم روایتی که به نحوی از شأن ابن عباس در ذیل این آیه حکایت دارد.

روایاتی که در منابع شیعی و سنی درباره نفس مطمئنه و مصادیق آن آمده است، جز در دو سه مورد که با هم توافق دارند، در سایر آن‌ها اختلاف وجود دارد. روایاتی که آیه را درباره حمزه، حبیب بن عدی و ابن عباس ذکر کرده‌اند در بین مفسران شیعه و اهل سنت اختلافی نیست. روایت دیگری هم تنها در برخی منابع سنی نقل شده که مراد از نفس مطمئنه، پیامبر اکرم (ص) است.

در روایت زیر که از امام صادق (ع) نقل شده است، شأن و جایگاه والای اهل بیت (ع) و پیروان ایشان در ارتباط با آیه شریف نفس مطمئنه به خوبی به تصویر کشیده شده است. حضرت در روایت زیر خطاب «یا ایتهای النفس المطمئنه» را مخصوص کسانی می‌داند که به ولایت علی (ع) و اهل بیت ایشان رضایت داده و نفس خود را به محمد (ص) و اهل بیت ایشان مطمئن ساخته‌اند: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيرِ الصَّرِيفِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) جَعَلْتَ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يَكْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلَى قَبْضِ رُوحِهِ قَالَ لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ إِذَا أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ جَزَعٌ عِنْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَا تَجْزَعُ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) لَأَنَا أَبْرُ بِكَ وَ أَشْفَقُ عَلَيْكَ مِنْ وَالِدٍ رَحِيمٍ لَوْ حَضَرَكَ أَفْتَحَ عَيْنَكَ فَانظُرْ قَالَ وَ يُمَثَّلُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ دُرِّيَّتِهِمْ (ع) فَيَقَالُ لَهُ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ (ع) رَفَقَاؤُكَ قَالَ فَيَفْتَحُ عَيْنَهُ فَيَنْظُرُ فَيَنَادِي رُوحَهُ مُنَادٍ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعِزَّةِ فَيَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (الفجر/۲۷) إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً (الفجر/۲۸) بِالْوَالِيَةِ مَرْضِيَّةً (الفجر/۲۸) بِالنَّوَابِ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (الفجر/۲۹) يَعْنِي مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ ادْخُلِي جَنَّتِي (الفجر/۳۰) فَمَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ اسْتِئْثَالِ رُوحِهِ وَ اللَّحُوقِ بِالْمُنَادِي» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۳ و ر.ک. عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۷۰ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۸۰/۱۴ و بروجرودی، ۱۳۶۶: ۴۱۲/۷).

این روایت با اندک تغییری در تفسیر فرات کوفی نیز ذکر شده است. (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۵) صاحب تفسیر البرهان نیز این روایت را به نقل از ابن بابویه، از پدرش، از سعد بن عبدالله، از عباد بن سلیمان، از سدید الصیرفی از امام صادق (ع) آورده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۵ و ۶۵۸ و ر.ک. فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۸/۵).

تعداد روایاتی که مصداق آیه نفس مطمئنه را امام حسین (ع) معرفی کرده‌اند، نسبت به روایاتی که مصداق دیگری برای آیه مذکور بیان کرده‌اند بیشتر است. از باب نمونه به ذکر دو روایت در این باره بسنده می‌شود.

(الف) «حدثنا جعفر بن أحمد قال: حدثنا عبد الله بن موسى عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع) في قوله: يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي يعني الحسين بن علي (ع).» (قمی، ۱۳۶۳: ۴۲۲/۲ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۷۸/۱۴) علامه بحرانی و عروسی حویزی نیز روایت مزبور را به همین شکل نقل نموده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۵ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵).

(ب) «شرف‌الدین النجفی، قال: روی الحسن بن محبوب بإسناده، عن صندل، عن داود بن فرقد، قال: قال أبو عبدالله (ع): «اقرأوا سورة الفجر في فرائضكم و نوافلكم، فإنها سورة الحسين بن علي، و ارغبوا فيها رحمكم الله، فقال له أبو أسامة و كان حاضر

المجلس: كيف صارت هذه السورة للحسين (عليه السلام) خاصة؟ فقال: «ألا تسمع إلى قوله تعالى: يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي؟ إنما يعني الحسين بن علي (عليهما السلام)، فهو ذو النفس المطمئنة الراضية المرضية و أصحابه من آل محمد (صلوات الله عليهم) الراضون عن الله يوم القيامة و هو راض عنهم، و هذه السورة [أنزلت] في الحسين بن علي (عليهما السلام) و شيعته، و شيعه آل محمد خاصة، من أدمن قراءة الفجر كان مع الحسين (عليه السلام) في درجته في الجنة، إن الله عزيز حكيم» (بحراني، ۱۴۱۶: ۶۵۸/۵ و حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹).

امام صادق (ع) فرمود: سورة فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید، زیرا که این سوره به حضرت امام حسین (ع) اختصاص دارد و به خواندن آن رغبت نشان دهید خدا شما را مورد رحمت قرار دهد. ابو اسامه در مجلس حاضر بود، پرسید: چگونه این سوره ویژه حسین (ع) گشت؟ امام گفت: آیا به این گفته خدای متعال گوش فرا نمی‌دهی: «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي...» ای جان آرامش یافته (و به یقین رسیده)، به سوی خدای خویش باز گرد...» مقصود حسین بن علی (ع) است، حسین صاحب جان آرامش یافته (و به یقین و اطمینان رسیده) بود، و خشنود از خدای بود و خدای از او خشنود. هر کس این سوره را همیشه بخواند، در درجه حسین (ع) خواهد بود در بهشت. و همانا خداوند عزیز است و حکیم.

بخشی از روایت فوق در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۸۰/۱۴) و در کتاب ثواب الأعمال، صفحه ۱۲۳ به نقل از تفسیر الصافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵) و بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳/۲۴) نیز آمده است.

همان‌طور که گفته آمد برخی روایات، نزول آیه مزبور را در حق علی بن ابی طالب دانسته‌اند. این روایات نیز، مانند روایات دسته فوق در بسیاری از منابع شیعی از قرن چهارم تا دوره معاصر و حتی در برخی منابع اهل سنت ذکر شده است.

**الف)** «فرا [بن ابراهیم الکوفی] قال حدثني علي بن محمد الزهري [قال حدثني إبراهيم بن سليمان عن الحسن بن محبوب عن عبد الرحمن بن سالم] عن أبي عبدالله [جعفر بن محمد] (ع) في قوله يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إلى آخره [آخر السورة] قال نزلت في علي بن أبي طالب (ع)» (فرا الکوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۵ و حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹).

علامه بحرانی نیز روایت مزبور را به نقل از علی بن ابراهیم آورده است، جز اینکه در این تفسیر، این روایت از محمد بن العباس از الحسين بن أحمد از محمد بن عیسی از یونس بن یعقوب از عبدالرحمن بن سالم از امام صادق (ع) نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۵ و ر.ک. قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۷۹/۱۴).

**ب)** «قوله يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً قال إذا حضر المؤمن الوفاة نادى مناد من عند الله يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي بولايه على مرضية بالثواب فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي فلا يكون له همه إلا اللحوق بالنداء» (قمی، ۱۳۶۳: ۴۲۲/۲ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵). علامه بحرانی نیز روایت مزبور را به نقل از علی بن ابراهیم آورده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۵) حضرت باقر (ع) فرمود: هر نفسی که مطمئن شد به ولایت امیرالمؤمنین (ع)، خوشنود گردد به پاداش و ثواب پروردگار و فرمود: در حال احتضار فرشتگان او را صدا می‌کنند: ای کسی که مطمئن شدی به ولایت علی امیرالمؤمنین (ع) باز گرد به سوی پروردگار خود خوشنود و پسندیده، پس هم و غمی برای او نیست مگر آنکه ملحق شود به آن حضرت.

افزون بر روایات فوق، بسیاری از مفسران شیعه، نظیر ابوالفتوح رازی به نقل از صالح بن حیّان و مفسران اهل سنت، نزول آیه را درباره حمزه بن عبدالمطلب، زمانی که در احد شهید گردید، دانسته‌اند. (رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۸/۲۰ و زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۳/۴) برخی نیز بیان داشته‌اند که این آیه درباره حبیب بن عدی نزول یافته است، وقتی که اهل مکه او را به دار کشیدند، روی او را به مدینه گردانیدند، گفت: «اللهم ان كان لي عندك خير فحوّل وجهي نحو قبلتك»: بار خدایا اگر مرا نزد تو منزلتی هست، روی مرا به قبله نما. حق تعالی او را به قبله گردانید و هیچ کس قدرت نداشت که روی او را از آن بگرداند و به طرف دیگر کند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۶۹۲/۴؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۷/۲۰ و ۲۷۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۳/۴؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۸/۱۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۰۰/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۴۴/۴).

**۳-۳-** بسیاری از مفسران، از شیعه و سنی (ابن جوزی در زاد المسیر به نقل از عکرمه) در عین ذکر روایاتی که از سبب نزول آیه حکایت دارند، اظهار نموده‌اند که حکم آیه، عام و در حق جمیع مؤمنان است، آنگونه نیست که تنها در حق فردی خاص نازل شده باشد. در این میان، زمخشری بیان داشته که از ظاهر عبارت چنین پیداست که عموم بندگان چنین مورد خطاب قرار خواهند گرفت (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۳/۴). یا مثلاً ابوالفتوح رازی نیز می‌نویسد: «و اگر آیت خاص بود در یک شخص، حکم او عام بود جمله آنان را که به این صفت باشند از مؤمنان» (رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۸/۲۰). صاحب تفسیر اثنا عشری نیز می‌گوید: «گرچه نزول آیه درباره حبیب یا حمزه نازل شده باشد لکن حکمش عام است کسانی را که صاحب نفس مطمئنه باشند که مقام منبع جلال را دارا شوند و در آخر بدین خطاب مشرف شوند» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۸/۱۴).



ملا فتح‌الله کاشانی نیز حکم آیه را عام دانسته و روایتی را از عبدالله بن عامر در تأیید سخن خود آورده و می‌نویسد: «و اظهر آن است که آیه بر عموم خود باشد و اگر نزول آن مخصوص باشد به حمزه یا به حبیب حکم او عام خواهد بود مر کسانى را که متصف بصف او باشند چنان که از عبدالله بن عمر روایت است که چون بنده مؤمن مشرف بر موت شود حق سبحانه دو فرشته بفرستد تا از برای وی تحفه‌ای از بهشت بیاورند و باو گویند که ای نفس آرمیده بیرون آی راضی و مرضی با روح و ریحان شو...» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۴۷/۱۰).

لازم به ذکر است که مطلب فوق، هیچ‌گونه تعارضی با روایاتی که مصداق کامل آیه را امام حسین (ع) معرفی می‌کنند وجود ندارد. حکم آیه می‌تواند عام و هر مؤمنی مصداق آن باشد، اما مصداق کامل و اتم آن که در روایات صحیح، مکرر از آن یاد شده است، امام حسین (ع) است.

#### ۴- نتیجه گیری

طبق آنچه در مورد روایات درباره نفس مطمئنه و مصداق آیه شریف «یا أيتها النفس المطمئنه» و همچنین سبب نزول آن، از مدارک اهل سنت و شیعه بیان شد، می‌توان به نکات زیر به عنوان نتیجه تأکید کرد:

۱. روایاتی که این آیه را در حق خلیفه اول یا سوم معرفی کرده‌اند به کلی مردود به شمار می‌روند و روایاتی که آیه را در شأن اهل بیت پیامبر (ع)، به ویژه حضرت اباعبدالله (ع) را مصداق آن دانسته‌اند، صحیح‌تر و قابل اعتمادترند، چراکه تنها معصوم است که می‌تواند از این چنین منزلتی برخوردار باشد. به بیان دیگر، خطاب نفس مطمئنه صرفاً مقام عصمت را شامل می‌شود که برجسته‌ترین مصداق آن، با توجه به خصوصیات سوره، از قبیل ارتباط آیات پایانی با آیات آغازین آن، امام حسین (ع) خواهد بود.

۲. سند روایاتی که مصداق این آیه را خلیفه اول یا سوم دانسته‌اند به صحابه ختم می‌شود، حتی یک مورد هم وجود ندارد که روایت را به معصوم، یعنی پیامبر اکرم (ص) برساند. به عبارتی دیگر، صحابه‌ای نظیر ابن عباس، این روایات را به پیامبر نسبت نمی‌دهند اما روایاتی که از منابع شیعه ذکر شده‌اند مستند به قول معصوم هستند.

۳. تعداد روایاتی که مصداق کامل آیه نفس مطمئنه را امام حسین (ع) معرفی کرده‌اند نسبت به روایات دیگر بیشتر است. به عنوان نمونه تنها در یکی، دو منبع از منابع اهل سنت، آن هم بیشتر منابع روایی، شاهد روایاتی هستیم که مصداق آیه را ابوبکر یا عثمان دانسته‌اند، اما روایاتی که آیه را در شأن اهل بیت (ع)، به ویژه امام حسین (ع) می‌دانند، در بیشتر تفاسیر شیعی اعم از روایی، جامع، ادبی، کلامی، فلسفی و... و حتی در برخی کتاب‌های سنی نظیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل نقل شده است.

۴. روایاتی که امام حسین (ع) را مصداق آیه معرفی می‌کنند، آن قدر مشهور هستند که همین خود به تنهایی دلیل بر برتری آن نسبت به دیگر روایات است. به عبارت اخری چون از گذشته، پیوسته این روایات - ولو به صورت نقل به معنا - از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است، می‌توان از آنها به روایات متواتر (حداقل متواتر معنوی) یاد نمود.

۵. در مورد سبب نزول آیه هم که روایات گوناگونی وارد شده است باید گفت، اولاً تنها یک روایت، آن هم فقط در برخی منابع اهل سنت که سبب نزول آیه را به عثمان ارتباط می‌دهد، نمی‌توان اطمینان و اعتماد نمود، ثانیاً اگر بخواهیم سبب نزولی برای این آیه ذکر کنیم، روایاتی که نزول آیه را در حق اهل بیت پیامبر به ویژه امیرالمؤمنین (ع) معرفی می‌کنند، از جهاتی نظیر تعدد نقل و... برتری دارند.

۶. روایاتی هم که از سبب نزول آیه درباره حمزه یا حبیب بن عدی یاد می‌کنند لازم است مورد بررسی سندی قرار گیرند تا بتوان درباره آنها به قطعیت سخن گفت. در مورد عام بودن حکم آیه هم که کثیری از تفاسیر امامیه و عامه به آن اشاره کرده‌اند باید گفت که عام بودن حکم آیه، هیچ تعارضی با سبب نزول خاصی که آیه در همان مورد نازل شده است، نمی‌تواند داشته باشد.

#### منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، ۱۴۱۰: غررالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامی.

- ۴- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹: تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد الطیب، چاپ سوم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ۵- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲: زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۶- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹: تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴: لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
- ۸- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵: البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
- ۹- بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶ش: تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر.
- ۱۰- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷: نفس مسوله و راههای رهایی از آن، «پاسدار اسلام»، شماره ۲۰۳.
- ۱۲- حسکانی، عبید الله بن احمد، ۱۴۱۱: شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۳- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، ۱۴۰۹: تأویل الآیات الظاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۴- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن أحمد، ۱۳۶۳ش: تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
- ۱۵- گنابادی، سلطان محمد، ۱۳۷۲ش: بیان السعاده فی مقامات العباده، ترجمه رضا خانی و حشمت الله ریاضی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۶- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸: روض الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲: المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- ۱۸- زمخشری محمود بن عمر، ۱۴۰۷: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۱۹- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴: الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۲۰- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۱- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲: جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- ۲۳- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵: تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۲۴- فاکر مبهدی، محمد، ۱۳۹۳ش: مبانی تفسیر روایی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه و فرهنگ اندیشه اسلامی.
- ۲۵- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات ابن ابراهیم، ۱۴۱۰: تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: کتاب العین، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- ۲۷- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵: تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر.
- ۲۸- قبادی، مریم، تفسیر فرات کوفی، ۱۳۸۹ش: بازنشاسی میراث کهن شیعه، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۹- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش: قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۰- قمی، عباس، ۱۴۱۴: سفینه البحار، چاپ اول، قم: اسوه.
- ۳۱- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش: تفسیر قمی، قم: دارالکتب.
- ۳۲- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ش: کنزالدقائق و بحر الغرائب، مصحح: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ۳۳- کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶ش: منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

- ۳۴- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷: الکافی، به تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۵- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰: تفسیر فرات کوفی، محقق محمد کاظم، چاپ اول، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳: بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۳۷- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷ش: میزان الحکمة، قم: دارالحديث.
- ۳۸- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، ۱۴۱۶: غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی